

نرسیدن عیب است!

تحقیق، مطلب ناحقی به کسی نسبت داده شود و موجب اعتراض و انتقاد قرار گیرد.

ب) به منظور اصلاح و سازندگی انتقاد شود، نه برای عیب جویی و رسوایی اشخاص.

ج) انتقاد بر اثر دلسوزی، خیر خواهی و صمیمیت باشد نه به سبب برتری طلبی.

د) بدون هیچ توهین و جسارت، مؤدبانه و با رعایت شؤون وی بیان شود. و در حقیقت انتقاد باید بسان هدیه‌ای تقدیم شود.

امام صادق (ع) فرمود: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أهدى إِلَيَّ عُيُوبِي»^(۱) محبوبترین برادرانم کسی است که عیوب و اشکالاتم را به من هدیه کند.

۲- افزون بر موارد فوق برای شخصیت محترم و قداست خاص رهبری در نظام اسلامی مسائل دیگری نیز باید در نظر گرفته شود:

به یقین، میان انتقاد کردن فرد از دوست خود، یا زن از شوهر و یا فرزند از پدر، شاگرد از استاد تفاوتی روشن وجود دارد فرزند و شاگرد برای پدر و استاد خود احترام خاصی قائلند. امام فوق قداستی است که برای امام و جانشین او وجود دارد. قداست محبتی همراه با احترام و تواضع است و چون ولی فقیه در مقام نیابت معصوم قرار دارد از این رو از قداست والایی برخوردار است و رعایت کمال احترام و ادب برای او ضروری است و حفظ حرمت و شأن او بر همه لازم است لذا انتقاد باید به گونه‌ای بیان شود که هیچ گونه تأثیر سوئی بر قداست و جلالت جایگاه ولی فقیه نداشته باشد.

۳- سومین نکته‌ای که در انتقاد از رهبر باید در نظر گرفت، توجه به دشمن است. انتقاد از رهبر باید هوشمندانه طراحی شود تا موجب سوء استفاده دشمنان نشود؛ از آن رو که رعایت این موارد در انتقاد از ولی فقیه لازم است، مجلس خبرگان کمیسیونی برای نظارت بر فعالیت‌های رهبری دارد که عملکرد ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهد و در موارد لازم نتیجه آن را به اطلاع ایشان می‌رساند. این هیأت تحقیق به پیشنهاد خود مقام معظم رهبری در مجلس خبرگان تشکیل شد.



ولایت فقیه رهبری

استاد علامه محمدتقی مصباح یزدی

برگرفته از کتاب پرسش‌ها و پاسخ‌ها

آیا می‌توان از ولی فقیه انتقاد کرد؟

ولی فقیه جایز است، بلکه واجب شرعی مسلمانان است، و منافع و مصالح شخصی یا گروهی نباید مانع انجام آن شود.

نکاتی در شیوه انتقاد

لیکن در انتقاد از ولی فقیه رعایت نکات زیر لازم است:
۱- اخلاق اسلامی در هنگام انتقاد رعایت شود. در این مسأله رهبر با دیگر مؤمنان مشترک است. شرایط انتقاد شامل موارد ذیل است:

الف) پیش از انتقاد باید اصل موضوع، محرز و عیب و اشکال، قطعی باشد؛ نه آن که مبتنی بر شایعات و اخبار غیر قابل اعتماد و یا بر اساس حدس و گمان و بدون

بر اساس اعتقادات دینی ما فقط - پیامبران، حضرت زهرا و ائمه اطهار (ع) معصوم‌اند. از این رو هیچ کس ادعا نمی‌کند احتمال اشتباهی در رفتار و نظرات ولی فقیه نیست. احتمال خطا و اشتباه در مورد ولی فقیه وجود دارد و ممکن است دیگران به خطای او پی ببرند. از این رو می‌توان از ولی فقیه انتقاد کرد. ما نه تنها انتقاد از ولی فقیه را جایز می‌شماریم، بلکه بر اساس تعالیم دینی معتقدیم یکی از حقوق رهبر بر مردم لزوم دلسوزی و خیر خواهی برای اوست. این حق تحت عنوان «النصیحه لائمة المسلمين» تبیین شده است. نصیحت در این عبارت به معنای پند و اندرز نیست، بلکه دلسوزی و خیر خواهی برای رهبران اسلامی است؛ بنابراین نه تنها از

بهترین شیوه انتقاد

به نظر می‌رسد برای رعایت همه اصول مزبور، بهترین شیوه انتقاد، نوشتن نامه به دبیر خانه مجلس خبرگان و بیان موارد لازم است. انتقاد از دیگر مسئولان نظام (مجلس، قوه مجریه، قوه قضائیه) در اصل ۹۰ قانون اساسی مطرح شده است. «یعنی هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ دهد...» ملاحظه می‌شود مراجعه به مجلس، راهکاری مناسب برای شکایت - که نوعی انتقاد از مراکز فوق به شمار می‌آید - تصویب شده است. عمل به این قانون - که دارای ضمانت اجرایی است - موجب حفظ حرمت نهادهای مذکور خواهد بود. طبق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی رهبر عالی‌ترین مقام رسمی کشور محسوب می‌شود. از این رو رعایت این نکات درباره او اولویت دارد.

شایان ذکر است که نباید انتظار داشته باشیم به همه مباحث و انتقاداتی که مطرح می‌کنیم پاسخ مختصر یا تفصیلی داده شود زیرا به دلیلی پیچیدگی مسائل سیاسی و تصمیم‌گیریهای کلان اجتماعی و نیز امکان سوء استفاده دشمن از آنچه افشا خواهد شد، همیشه بیان انگیزه‌های مختلف عملکردها و تدابیر سیاسی برای عموم میسر نیست، ولی قطعاً به نظرات، انتقادات و پیشنهادهای مفید توجه خواهد شد و موارد لازم به اطلاع ولی فقیه خواهد رسید.

چرا ولایت فقیه - همانند ریاست جمهوری - دوره‌ای نباشد، تا از مضرات تمرکز قدرت در دست یک نفر جلوگیری کنیم؟

در جواب این پرسش ذکر چند نکته لازم است که باید مورد بررسی قرار گیرد:

نقطه ثبات در نظام سیاسی

۱. وجود نقطه ثبات در نظام سیاسی مطلوب است. همه فیلسوفان سیاست اگر در کشوری بتوان از آفات نقطه ثابت جلوگیری کرد، چنین چیزی خود به خود ربحان دارد. بر همین اساس در بسیاری از کشورهای دنیا افزون بر قوای سه‌گانه یک شیوه سلطنت یا ریاست جمهوری دائم و یا امپراتوری وجود دارد. قابل توجه است که برخی از این کشورها مانند انگلستان مهد دموکراسی

جدید و تمدن صنعتی به شمار می‌آیند. استدلال معتقدان این نظریه این است که بریتانیای کبیر - که حاکمیت بسیاری کشورها را داشت و هنوز هم با بسیاری از کشورها مشترک المنافع است - نیازمند نقطه ثابت است، که در واقع مظهر اقتدار و امنیت ملی است.

چرا ولایت فقیه - همانند ریاست جمهوری - دوره‌ای نباشد، تا از مضرات تمرکز قدرت در دست یک نفر جلوگیری کنیم؟

جلوگیری از آفات نقطه ثبات

۲. آیا می‌توان از آفات نقطه ثبات جلوگیری کرد؟ در واقع مهمترین فایده دوره‌ای کردن، جلوگیری از فساد است که با فربه شدن ناموزون قدرت، در دست یک نفر - در زمان طولانی - حاصل می‌شود. پاسخ این مشکل با اندکی جستجو در اصل نظریه، به دست می‌آید. توضیح آنکه یکی از شرایط رهبر، عدالت و تقواست، و قانون، مجلس خبرگان را موظف کرده است هم در مقام کشف و تشخیص (آغاز رهبری) و هم در مقام بقا (استقرار رهبری)، رهبر این صفات را داشته باشد. اگر عدالت و تقوا نباشد، هیچ‌گاه شخصی به

عنوان ولی فقیه انتخاب نمی‌شود حتی اگر در ابتدا رهبر، عادل و متقی بود، ولی در میانه راه عدالت یا تقوای خود را از دست داد، خود به خود از این مقام عزل می‌شود و وظیفه خبرگان است که عزل او را اعلام کنند؛ چون ولایت الهی را از دست داده است. حضرت امام می‌فرماید: «اگر ولی فقیه یک کلمه دروغ بگوید، یک کلمه، یک قدم بر خلاف بگذارد، آن ولایت را دیگر ندارد»^(۲).

۳. آخرین نکته‌ای که باید مورد بررسی واقع شود، نقش کاشف بودن خبرگان و کشف کسی که صلاحیت اداره جامعه اسلامی را دارد، می‌باشد.

گاه دوره‌ای با توسط انتخاب مستقیم مردم ظهور می‌کند و گاه توسط مجلس خبرگان؛ چون انتخاب مستقیم توسط مردم خود سؤال مستقل و دارای اهمیت بسیاری است، جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. بعد از آنکه مسأله نقطه ثبات و فواید آن را از دیدگاه فلاسفه سیاست مورد اشاره قرار دادیم و تمهیدات لازم در وظایف خبرگان و نظارت آنها بر رهبر را ملاحظه کردیم، باید گفت انتخابات دوره‌ای در مورد رهبر لازم نیست؛ چون وظیفه خبرگان کشف (تشخیص) مصداق رهبر است.

خبرگان و شناسایی رهبر

توضیح آنکه بدین گونه نیست که عده‌ای کاندیدا بشوند و اعضای خبرگان مجبور به گزینش شایسته‌ترین فرد باشند، بلکه کاندیداهای رهبری در مرحله اول تمامی اسلام شناسان دارای صلاحیت می‌باشند، و کار خبرگان نخبه‌شناسی است - آن هم در گستره تمامی جامعه اسلامی، نه فقط در محدوده عده‌ای خاص - به همین دلیل کشف (تشخیص) آنها دارای اهمیت است. هرگاه به دلیل منطقی خبرگان به این نتیجه رسیدند که رهبر شرایط رهبری را از دست داده و یا کس دیگری در زمان رهبری ایشان پیدا شده که از او اقوی و بهتر است، رهبری خود به خود از مقام خود عزل شده و لازم است خبرگان عزل ایشان را اعلام کنند و فقیه دیگری را جانشین وی سازند. در این صورت دیگر لازم نیست هر از چند گاهی انتخابات صورت گیرد. همه خوب می‌دانیم برگزاری انتخابات تا چه اندازه لوازم و پیامدهای اجتماعی دارد، گذشته از آنکه با اقتدار رهبری و نقطه ثبات بودن ایشان در جامعه سازگاری ندارد. اهمیت این نکته هنگامی آشکار می‌شود که فقیهی با





کفایت و لایق چون حضرت آیت الله خامنه‌ای بر مسند ولایت تکیه زند و تدبیر امور را به عهده بگیرد و به گونه‌ای عمل کند که دوست و دشمن به کفایت و لیاقتش اعتراف کنند و گاه آشکار آن را بر زبان آورند. در چنین مواقعی است که محوریت چنین فقیه‌ی نقطه قوت نظام است، بر همگان است قدر آن را بدانند و در تبعیت از ایشان بکوشند. در پایان خوبست به این نکته توجه شود که تئوری دورهای بودن رهبری و ریاست در جوامعی مطرح شده که در بسیاری از کاندیداها دارای ضعفهای اخلاقی و حتی حقوقی هستند و هر روز در دنیا شاهد به دادگاه کشیده شدن رؤسای جمهور و نخست وزیران و سایر مقامات عالیرتبه هستیم. طبعاً هر چه دوران حکومت چنین کسانی کوتاهتر باشد احتمال سوء استفاده‌شان کمتر است اما در نظامی که رهبر آن دارای عالیت‌ترین مقام تقوی و عدالت و تالی تلو معصوم است جای چنین توهمی نیست و اکنون که دو دهه از حکومت چنین افرادی در ایران اسلامی می‌گذرد کوچکترین نقطه ضعفی در زندگی امام راحل یا مقام معظم رهبری دیده نشده است و اگر چنین چیزی وجود می‌داشت دشمنان اسلام و انقلاب هزاران مرتبه آنرا بزرگ می‌کردند و هزاران بار در رسانه‌های گروهی پخش می‌کردند.

اگر نظام ولایت فقیه بهترین نظام است. چرا برخی از مشکلات جامعه حل نشده، و جامعه پیشرفته‌ای نداریم؟

این سؤال درباره حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز مطرح می‌شود. مطابق معتقدات دینی، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) معصوم است و از سوی خداوند متعال به عنوان ولی جامعه اسلامی (۳) و هم‌پراز پیامبر اکرم (۴) معرفی شده است. بنابراین در حقانیت و مشروعیت حکومت علی (علیه السلام) هیچ تردید و شبهه‌ای میان فرقه‌های مختلف اسلامی وجود ندارد. در قرآن کریم ابلاغ ولایت ایشان توسط پیامبر اکرم (ص) موجب اكمال دین و اتمام نعمت و راضی بودن به دین اسلام محسوب شده است. (۵) با این همه نگاهی به تاریخ پنج ساله حکومت مولای متقیان و اوضاع اجتماعی حاکم بر آن دوران میزان موفقیت آن حضرت را در ایجاد جامعه‌ی ایدال نشان می‌دهد.

جنگهای داخلی صفین، جمل و نهروان، تهدیدات دشمنان خارجی، کمبود نیروی انسانی توانمند و تربیت شده، کثرت مشکلات، گسترده‌ی بدعت‌ها و سنت‌های

پایبندی به ارزش‌های اسلامی بر کشور ما تحمیل شد، حوادث طبیعی فراوان و... همه در پیدایش این مشکلات نقش دارد. ناهنجاریهای فرهنگی نیز چنین است؛ بسیاری از اندیشمندان اسلامی و مربیان دینی، پیش از انقلاب درگیر مبارزه و یا در بند رژیم طاغوت بودند و پس از انقلاب به علت نیاز شدید نظام، به کارهای اجرایی مشغول شدند. گروهی از ارزشمندترین تربیت یافتگان مکتب اسلام نیز در حوادث آغازین انقلاب به دست خائنتکاران و دشمنان اسلام به شهادت رسیدند. بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید مطهری، باهنر، رجائی، شهدای محراب و... که هر یک سرمایه‌های بی نظیری برای نظام و اسلام به شمار می‌آمدند.

افزون بر این، دخالت دشمن در ایجاد فضای آلوده فرهنگی برای نسل جوان و... در نابسامانیهای فرهنگی تأثیری عمیق گذاشت.

با این همه، نظام اسلامی، موجب سر فرازی و عزتمندی کشور ایران در سراسر جهان و سربلندی امت مسلمان در برابر طاغوت‌ها و مستکبران دنیا گشته، مسلمانان را به وحدت و حرکت واداشته است. جنبش‌های اسلامی در بوسنی، چین، الجزایر، لبنان، مصر، تونس، سودان و حتی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا، الگو گرفته از نهضت دینی و الهی ملت ایران است، که از برکات روی آوردن به دین و ولایت الله محسوب می‌شود.

هیچ کس ادعا نکرده است که مجموعه قوانین اسلامی، پس از انقلاب در کشور اجرا شده است، بلکه - به تصریح رهبر انقلاب - تا تحقق آنچه دین برای جامعه ترسیم می‌کند، راهی طولانی پیش رو داریم. این مشکلات و نارساییها مشروعیت نظام را زیر سؤال نمی‌برد.

پی نوشت:

۱. بحار، ج ۷۸، ص ۲۴۹، روایت ۱۰۸، باب ۲۳.
۲. صیحه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۲، مصاحبه پروفیسور «الگار» با امام خمینی.
۳. «اِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالدِّیْنُ اَمْرُ الدِّیْنِ یَقِیْمُوْنَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُوْنَ الزَّکَاةَ وَهُمْ رَاکِعُوْنَ» (مائده، ۵۵) سرپرست و ولی شما تنها خداست و رسول او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. به شهادت همه مفسران مفسود از مؤمنان، حضرت علی (علیه السلام) است.
۴. این مطلب در آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) بیان شده است.
۵. مائده، آیه ۳.

فاسد و آلودگی‌های مزمن اجتماعی، تغییر چارچوب نظام ارزشی زمینه‌های این وضع را فراهم آورده بود.

اشاره به برخی مشکلات نظام

اکنون نیز در نظام جمهوری اسلامی مشکلات فراوانی به چشم می‌خورد. مثلاً مشکلات اقتصادی کشور، ناشی از عوامل مختلفی است که داوری در موفقیت نظام اسلامی، بسته به بررسی آنهاست.

توضیح آن‌که: جمعیت کشور ایران از پیروزی انقلاب تاکنون دو برابر شده، قیمت کالاها در سطح جهان متناسب با تورم جهانی بالا رفته است، ولی قیمت نفت به عنوان مهمترین منبع در آمد نظام از سال ۵۷ تاکنون به کمتر از یک سوم تنزل یافته است. ضمن اینکه فرهنگ مصرف جامعه بسیار تغییر کرده و سطح توقعات، به نحو چشمگیری بالا رفته است. تحریم‌های اقتصادی، جنگ و ویرانی‌های بسیاری که تنها به جرم

